

فیلم سینمایی «۶ دقیقه» با گویندگی ۲۱ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد ویلاژ اداره کل تامین و رسانه بین الملل سیمادوبله شد. این سینمایی محصول آلمان در گونه اکشن، درام و ورزشی در سال ۲۰۲۴ قرار است از شبکه تهران سیما پخش شود.مدیر دوبله این سینمایی بهمن هاشمی و صدابردار آن سعید عابدی است. مهرخ افضل، رضا الماسی، دانیال الیاسی، کریم بیانی، فریناز ثریا، علی جلیلی‌بale، ارسلان جولایی، مونا خجسته، زویا

۶دقیقه باشکته تهران

خلیل آذر، آرزو روشناس، حسین سرآبادانی، شایان شامبیاتی، ابوالفضل شاه‌بهرامی، خشایار شمشیرگران، امیرمحمد صمصامی، مهسا عرفانی، فاطمه غزنوی، ترگس فولادوند، کسری کبانی، اسفندیار مهرناش و بهمن هاشمی صدایشه‌های این اثر بوده‌اند.فیلم، داستان پدری به نام اوکنا را روایت می‌کند که بی‌خیال مسابقه ورزشی مهم خودمی‌شود تا در عرض یک ساعت خودش راه به دخترش برساند. گروه‌های مافیایی که روی مسابقه



سریال باکریم ودکورتاریخی نمی‌شود!

منصور براهمیی، نویسنده و پژوهشگر در گفت‌وگو با «جام جم» الزامات نگارش یک اثر تاریخی موفق را شرح می‌دهد

داشته‌اید. همین اواخر مجموعه «آتش و باد» به قلم شما، روی آنتن تلویزیون رفت. بررسی‌کی از شما به عنوان یک نویسنده در حوزه آثار تاریخی داریم این است که به‌طور کلی، کارهای تاریخی باید به چه نکاتی توجه داشته باشند تا بتوانند بدون تاریخ انقضا و همیشه برای مخاطب جذابیت داشته باشند؟

جژئیاتی که در مورد آثار تاریخی وجود دارد به‌قدری زیاد است که بعدی می‌دانم در اینجا مجال حل‌وفصل آنها را نداشته باشیم. نخست باید گفت که ترکیب «تاریخ انقضا» به ادبیات انتقادی ما در خصوص سریال‌سازی تعلق ندارد. انتظار برای «همیشه» هم توقع بیجایی نیست. به‌نظر می‌رسد که پرسش شما به نیازهایی می‌پردازد که باعث «ماندگاری» بیشتر این آثار می‌شود و توقع ندارد که ما با اطمینانی که فردوسی به اثرش داشت، کاخی بلند را ترسیم کنیم که از باد و باران گزندگی به آن نمی‌رسد.
[۱] پرسش را این‌طور اصلاح کنیم که یک سریال تاریخی چه چیزی نباید باشد؟
من فهرست وار به مواردی اشاره می‌کنم. سریال تاریخی همان تاریخ نیست، از تخیل تاریخی بهره‌منداست، اما قرار نیست پاسخگوی این یا آن خواسته تاریخی باشد. نمی‌توانید از آن انتظار داشته باشید که حتماً به این یا آن واقعه تاریخی بپردازد، یا حتماً به خواسته‌های تاریخ‌دانان عمل کند. به عبارت بهتر، «نظم رویدادها» در یک متن تاریخی، متفاوت از نظمی است که یک سریال تاریخی به همان رویدادها می‌پخشد. تاریخ‌دان می‌تواند بر جعل یک رویداد ایراد وارد کند،

اما نباید متوقع باشد که همان نظم تاریخی در گفتمان تاریخ‌پژوهی، بر سریال نیز حاکم باشد. بر «نظریات جدید تاریخ» آگاهم و می‌دانم که تاریخ‌نویسی هم گونه‌ای «روایت» است. در اینجا نمی‌خواهم وارد بحث‌های نظری شوم.

[۲] این نظم متفاوت، که باعث ماندگاری اثر می‌شود چیست؟

شالوده‌های اصلی این نظم را «نظم داستانی» رقم می‌زند، اما ستون فقرات آن «رویداد زمان حال» یا «کنش دراماتیک» است. در واقع این دو «شام و ناهار» سریال هستند و باقی هر چه هست «آفتابه و لگن» است. پس سریال تاریخی نباید به «آفتابه و لگن» متوسل شود. اینها ممکن است سریالی را خوش‌آب‌ورنگ نشان دهند اما ماندگاری آن را تضمین نمی‌کنند. اولین داسی که ممکن است چنین سریالی در آن بیفتد، چسبیدن به دکور، لباس و گریم و هزینه‌های سرسام‌آوری از این دست است که البته درجای خود لازم است. اما فقدان شالوده داستانی و کمبود ارکان دراماتیک را جبران نمی‌کند. در واقع آنچه که تعیین می‌کند این هزینه‌های سرسام‌آور تا چه حد الزامی است، شالوده و ستون‌های اصلی متن داستانی بوده وگرنه منطقی نیست که ما انبوهی مواد و مصالح جمع کنیم، بعد به این فکر بپیفتیم که با اینها خانه‌ای بسازیم. اگر هم خانه‌ای بسازیم که شالوده وستون‌های آن سست یا ناپایدار باشد، یاروی سرمان خراب می‌شود، یا با اولین بادی که وزیدن گیرد، به باد می‌رود.

[۳] قدری بیشتر درباره نظم داستانی بگویید. منظور از این نظم داستانی دقیقاً چیست؟

این مجموعه‌ها می‌شود، آیا نسل جدیدی که هیچ پیوند نوستالژیک

با این نوع مجموعه‌ها ندارد با آن ارتباط برقرار می‌کند. آیا «حافظه ژئریک یا ژانری» مخاطبان هنوز دست‌اندرکار است و پرسش‌های بسیار دیگری از این دست باید به نتایج پژوهش مدار دست‌یابد تا بتوان پاسخ‌هایی کارآمد به این پرسش داد. بدون آن‌که بخواهم درصدد پاسخ برآیم، توصیه می‌کنم که به امکانات راهگشای «ژانر» توجه شود.

فیلمی مانند محمد رسول... از مصطفی عقاد برای جوامع مسلمان ژانری را بنا نهاد که ایرانیان زودتر از دیگران درصدد ادامه و استمرار آن برآمدند. ژانر امکانات فراوانی برای پیوند با تماشاگر دارد که متأسفانه ما سال‌های سال است از آن غافلیم.

اوشربندی کرده‌اند، نمی‌خواهند بگذارند این اتفاق بیفتد. پدر نمونه در نهایت در جشن تولد دخترش حاضر می‌شود و عطای مسابقه را به لغایش می‌بخشد. فیلم موضوع ورزشی جذاب و جالبی دارد و هیجان انگیز و سرگرم‌کننده بوده و کیفیت بصری آن نیز چشمگیر است. قهرمان فیلم نیز از یک انگیزه پست (مسابقه ورزشی به خاطر پول) سراغ یک انگیزه متعالی (پدر خوبی بودن) می‌رود و در این مسیر از کسی ترسی ندارد.

آن رودروست. باز هم پرسش وارد بحثی درازدامن می‌شود که در یک مجال کوتاه نمی‌توان به همه ابعاد آن پرداخت. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که گفت‌وگوها یادآلوگ‌های متن تاریخی باید «توهم تاریخی» ایجاد کند اما لزومی ندارد که به «اصالت تاریخی زبان» وفادار بماند. در پرسش اول شرح دادم که وفاداری به تاریخ، امکان‌پذیر نیست اما تخیل تاریخی باید بتواند متن تاریخی را هم برای مخاطب عام و هم برای تاریخ‌دانان باورپذیر از کار درآورد (به عبارت بهتر، آنها را دعوت کند که جهان داستانی متن او را باور کنند).

«توهم تاریخی» معنای منفی ندارد، نوعی فریب نیست، دعوتی است برای سکونت در جهانی داستانی که در دوره‌ای از تاریخ واقع شده است. همه مخاطبان می‌دانند که در عصر یوسف (ع) در کنعان و مصر مردم به زبان فارسی سخن نمی‌گفته‌اند، اما اگر شخصیت‌ها به زبان فارسی امروز سخن بگویند «توهم تاریخی» او شکاف برمی‌دارد و ممکن است حاضر نشود به دعوت ما برای سکونت در این جهان داستانی – تاریخی پاسخ مثبت دهد. اگر جهان داستان ما در دوران قاجار واقع شود، ممکن است نثری مثل سبک منشآت قائم‌مقام فراهانی به باورپذیری مخاطب کمک کند، ولی باید مراقب باشیم که اولان نثر قائم‌مقام نباید عینا در دهان این یا آن شخصیت قرار گیرد. به عبارت بهتر قرار نیست ما با نوعی ژنالیسم خام یا افراطی درصدد بازسازی زبان دوره قاجار باشیم؛ و در ثانی باید مراقب میل افراطی خود برای زیبان‌ورزی و بازی‌های زبانی باشیم، نباید نسبت به نثر خود دچار خودشیفتگی شویم و با پرگویی که ربطی به «نظم داستانی» و «کنش دراماتیک» ندارد، لحظات را سنگین و کسالت‌آور از کار درآوریم. زبان نمایشی «عین» کنش است، کنش و داستان را گزارش نمی‌کند، بلکه از آنها جدایی‌ناپذیر است. ویژگی‌های دیگر دیالوگ که پس از این مرتبه قرار می‌گیرند، مثلاً پیوند با

شخصیت، مکان، زمان، و دیگر شخصیت‌ها، از درجه اهمیت کمتری نسبت به «کنش دراماتیک» برخوردارند.



یکی، فقط یکی، از امکانات فراوان ژانر، حفظ و استمرار «حافظه ژئریک» در تولید و مصرف فیلم‌ها و سریال‌هایی است که بر امکانات خود آگاهند. قرار نیست که ما با حفظ ویژگی‌های تولید و حال و هوای ژانر مبدأ و صرفاً با تکرار آنها، به استمرار و مقبولیت آن کمک کنیم. ژانر مثل یک موجود زنده و ارگانیک از رشدی طبیعی برخوردار بوده و آماده است تحولات زیادی پیدا کند.

ماندگاری آن به ماندگاری حافظه ژئریک وابسته است، نه به حفظ و تکرار ویژگی‌های ژانر اصلی. عدم توجه کافی به ژانر، برای حال

و آینده سریال‌های تاریخی ما، به‌خصوص از حیث مقبولیتی که باید در میان مخاطبان پیدا کند، ممکن است به ضایعه‌ای

جبران‌ناپذیر بدل شود.

لک لک و روباه

مریم فلاح: ماجرای دوستی لک‌لک و روباه که دربردارنده مضمونی اخلاقی بود. یک روز روباه غذای خوشمزه‌ای پخت و لک‌لک را برای صرف شام به خانه‌اش دعوت کرد. وقتی لک‌لک گرسنه خوشنود از این دعوت به خانه روباه رفت، میزبان غذا را در بشقاب سرو کرده و بعد خودش با اشتهای زیاد شروع به خوردن کرد اما لک‌لک قادر نبود با منقار بلند و نوک تیزش، غذایی که در بشقاب بود را بخورد. روباه به سرعت غذایش را تمام کرد و بعد وانمود کرد که مهمانش سیر شده و میلی به غذا ندارد، پس غذای او را هم نوش جان کرد. روز بعد لک‌لک به این فکر افتاد که به روباه درس خوبی بدهد، غذای بسیار خوشمزه‌ای پخت، آن قدر که عطر آن به خانه روباه رسید. روباه از بوی غذا احساس گرسنگی کرد و بی‌دعوت خود را مهمان نمود....



کودک‌ها را شنید

رسانه

MEDIA

پنجشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۸۷۲

نگاه

ماجراهای نوجوان اصفهانی

مجموعه خاطره‌انگیز «قصه‌های مجید» هر شب از آی فیلم پخش می‌شود



زینب علیپور هورانی گروه رسانه

شاید برایتان پیش آمده باشد که از خوندتان بپرسید چه چیزی باعث می‌شود یک سریال مورد توجه قرار بگیرد و نسل‌های بسیاری با آن ارتباط برقرار کنند و داستان و شخصیت‌های آن هیچ‌گاه تکراری نمی‌شود؟ در پاسخ می‌توان گفت قصه و شخصیت‌های آن اثر قطعا

به قدری باورپذیر و ملموس است که برایتان غریبه نیست و حتی با گذشت زمان هم جذاب‌تر و خاطره‌انگیزتر می‌شود. درست مثل مجموعه «قصه‌های مجید» که بیش از سه دهه قبل، یعنی در سال ۱۳۶۹ توسط زنده‌یاد کیومرث پوراحمد ساخته شد و خیلی‌زود جای خود‌ش را بین مخاطبان باز کرد تا جایی که هنوز هم با گذر سی‌واندی سال هنوز مخاطب را با خود همراه می‌کند. داستان درباره نوجوانی به نام مجید بود که در هر قسمت داستان و ماجرای خلق می‌کرد. او با مادرززش بی‌بی زندگی می‌کرد و همین تفاوت دو نسل هم گاهی باعث طنز و کمدی می‌شد.



یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این مجموعه نظر مخاطب را جلب می‌کرد، شخصیت ساده مجید و بی‌بی بود. همچنین احترامی که مجید همواره برای بی‌بی قائل بود یا دلگرمی‌های بی‌بی به‌عنوان مادر برای مجید. مثلاً در قسمتی که مجید قرار بود به اردو برود و وسایلش را در خانه جا گذاشته بود، بی‌بی خودش را به زحمت به او رساند یا در قسمتی که بی‌بی از دست کارهای مجید قهر کرده یا بیمار شده بود، مجید نگران او بود و حتی در تنهایی برای بی‌بی گریه می‌کرد. این رابطه ساده و بی‌الایش نوه و مادر بزرگ به‌قدری جذاب و باورپذیر بود که نظر هر کسی را به خود جلب می‌کرد. در مجموع می‌توان گفت مجید و بی‌بی و خانه‌ای که در آن زندگی می‌کردند یا سبک زندگی‌شان به‌قدری اصیل بود که هویتی کاملاً ایرانی داشت.

مجید را می‌توان نمادی از نوجوان ایرانی در دهه ۶۰ دانست. با همان ویژگی‌هایی که نوجوان‌ها در آن دوران داشتند؛ همان دغدغه‌ها و همان شیطنت‌ها. مهدی باقریگی و زنده‌یاد پروین دخت یزدانیان با بهتر بگویم مجید و بی‌بی برای ما فقط یک اسم یا یک کاراکتر نیست، بلکه بخشی از هویت و تاریخ و فرهنگ ما پشت این اسامی قرار دارد. خیلی از منتقدان هم معتقدند که دلیل موفقیت قصه‌های مجید این است که خودش و ماجراهایش متعلق به همین مرز و بوم است و هویتی کاملاً ایرانی دارد.

شاید هوشنگ مرادی‌کرمانی زمانی که قصه‌های مجید را خلق می‌کرد، هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد کاراکترهایش تا این اندازه جان بگیرند و ماندگار شوند. گرچه اتفاقات و شخصیت‌های داستان او در کرمان می‌گذشت، اما از همان سال تا به امروز مجید و بی‌بی نمادی از استان اصفهان شده‌اند و مخاطب آنها را با این شهر می‌شناسد. این مجموعه هم‌اکنون از شبکه آی‌فیلم پخش می‌شود. پس اگر دوست دارید با دیدن مجید و ماجراهایش خاطره‌بازی کنید، می‌توانید هر شب به تماشای این سریال بنشینید.

خاطرات کاغذی



اما؛ قصه

کودکان غزه

فیلم کوتاه «اما» تولید مرکز سیمرغ در روز جهانی کودک برای حمایت از کودکان غزه پخش شد. این فیلم در سی‌وششمین جشنواره فیلم کودک ونوجوان در بخش ویژه کودکان غزه با ۱۶ فیلم کوتاه دیگر به رقابت خواهد پرداخت. در فیلم کوتاه رثال انیمیشین امحایه نویسندگی و کارگردانی آیدآحافظی و تهیه‌کنندگی علیرضانصیری با بازی فرید عشقی، مهسا فلاحیان و حسین کبابیان نقش آفرینی کردند. در خلاصه داستان اما آمده: «در هنگامه جنگ، کودکان فلسطینی از زوهای خود را تنها با نقاشی به تصویر می‌کشند، این در حالی است که...». سایر عوامل این فیلم عبارتند از: سیاوش مزروعی مدیر فیلمبرداری، امیرحسین جلالی مدیر تولید، سعید قلی‌زاده طراح صحنه، زهرا حمیدی طراح گریم، محیا سنایی طراح لباس، احسان خراطی طراح صدا، سایه کلانتری منشی صحنه، مصطفی رجبی تدوین، سهنذ یوزمحمودی عکاس، اعظم ترشیری تصویرساز، سیدعلی موسوی انیمت، ریگ و کامیوزیت، رسول رجبی استوری ریل و استوری‌بورد، علی شریفی ساخت تیزر، محمود اصلانی دکوراتیو، محمدرهزانی جانشین تولید.



وبینو

موج

تفکر نقادانه در «بیا حرف بزنیم»

برنامه «بیا حرف بزنیم» امروز ۱۹ مهر با موضوع نبوغ و رشد فکری میزبان دینا درگاهی، نابغه و قهرمان جهان ۱۴ ساله در حوزه ریاضیات و هوش مصنوعی است. این برنامه در حوزه آموزش تفکر نقاد به کودکان و نوجوانان و با هدف ترویج روحیه دوستی و آشتی میان افراد و آموزش حل مشکلات و اختلاف‌ها از طریق حرف زدن و گفت‌وگوی سالم به جای نفاق و دشمنی از گروه تاریخ و اندیشه رادیو فرهنگ پخش می‌شود.

در این هفته دینا درگاهی، نوجوان ۱۴ ساله نابغه و قهرمان جهانی در حوزه ریاضیات و هوش مصنوعی درباره رشد و نبوغ فکری و فعالیت‌هایی که داشته صحبت می‌کند.

در بیا حرف بزنیم کودکان و نوجوانان آغازکننده برنامه هستند. در ادامه قصه‌گویی و اجرای نمایشی یک قصه تالیفی توسط کودکان و گاهی با همراهی مهمانان هنرمند پخش می‌شود. یکی از بخش‌های این برنامه قصه‌گویی خلاق است که کودکان همراه والدین و قصه‌گوی برنامه درباره موضوع قصه به گفت‌وگو می‌نشینند. بیا حرف بزنیم هر پنجشنبه ساعت ۱۲:۲۰ به تهیه‌کنندگی مریم یوسفی پور از رادیو فرهنگ شنیدنی می‌شود.

